

## کشمکش‌های درونی و فشارهای بیرونی:

### فروپاشی و سقوط دولت طولونی در مصر و شام<sup>۱</sup>

معصوم‌علی پنجه<sup>۲</sup>

استادیار گروه تاریخ و باستان‌شناسی، واحد علوم و تحقیقات، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران

#### چکیده

با قتل خمارویه در ۲۸۲ هجری روزگار شکوه و بزرگی طولونیان به پایان آمد و دوره سستی و فروپاشی دولت آنان آغاز شد. فروپاشی و سقوط طولونیان چرا و چگونه به وقوع پیوست؟ در بررسی چرایی و چگونگی فروپاشی و سقوط دولت طولونی هم تأثیر عوامل داخلی را می‌توان دید و هم تأثیر عوامل خارجی را. طولونیان در دهه پایانی حکومت خویش (۲۸۲-۲۹۲ هـ) پیوسته درگیر کشمکش درون‌خاندانی، میان فرزندان خمارویه و عموهایشان، فرزندان ابن طولون، بودند. پسران و جانشینان خردسال خمارویه که از وی خزانه‌ای تهی به ارث برده بودند، توان و تجربه حکومت‌داری نداشتند و از این‌رو در این ده سال قدرت ورشته امور مملکت در دست سرداران سپاه طولونی بود. این سرداران بارها در لحظه‌های سرنوشت‌ساز به طولونیان خیانت کردند و به خصم، عباسیان، پیوستند. شورش‌های قرامطیان در شام و ناتوانی طولونیان در سرکوبی و مهار آنان پای سپاهیان خلیفه را به شام و سپس به مصر باز کرد که پیامد آن پایان کار طولونیان بود.

**کلیدواژه‌ها:** تاریخ مصر اسلامی، دولت طولونی، فروپاشی طولونیان، طولونیان و عباسیان.

۱. تاریخ دریافت: ۱۴۰۳/۲/۱۳؛ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۳/۳/۹

۲. رایانامه: [panjeh@srbiau.ac.ir](mailto:panjeh@srbiau.ac.ir)

### مقدمه

سی و هشت سال (۲۵۴-۲۹۲ هـ) حکمرانی طولونیان در مصر و شام را می‌توان به سه دوره تقسیم کرد: ۱. دوره بنیاد و تحکیم دولت طولونی در مصر (۲۵۴-۲۶۳ هـ): در این دوره احمد بن طولون (حک ۲۵۴-۲۷۰ هـ) توانست رقیبان خود را از میدان به در کند و در کشمکش با موفق، همه‌کاره دستگاه خلافت و برادر خلیفه معتمد (حک ۲۵۶-۲۷۰ هـ) پیروز گردد و حکومت نوپای خویش را از گزند عباسیان دور نگه دارد؛ ۲. دوره اقتدار و گسترش قلمرو در شام و جزیره (۲۶۳-۲۸۲ هـ): در این دوره ابن طولون و پسرش خُمارویه (حک ۲۷۰-۲۸۲ هـ) شام و بخش‌هایی از جزیره را به قلمرو خود افزودند و عباسیان را واداشتند تا در پیمانی، بر حق قانونی و موروثی آنان در حکومت مصر و شام صحنه گذارند؛ و ۳. دوره فروپاشی (۲۸۲-۲۹۲ هـ): در این دوره که سه تن، ابوالعساکر جیش (حک ۲۸۲ هـ)؛ ابوموسی هارون (حک ۲۸۲-۲۹۲ هـ) و ابوالمناقب شیبان بن احمد (حک ۲۹۲ هـ) به امارت رسیدند، در ارکان دولت طولونی خلل وارد شد و با یورش سپاه عباسی به مصر سقوط کرد. این جستار در پی پاسخ بدین پرسش است که چرا آن اقتدار و عظمت دوره ابن طولون و خمارویه در عرض یک دهه فروپاشید و دولت طولونی از مصر و شام برافتاد؟

### پیشینه پژوهش

پژوهش درباره طولونیان، به زبان‌های اروپایی و زبان عربی بیش از یک قرن سابقه دارد.<sup>۳</sup> کهن‌ترین مطالعه درباره طولونیان، مقاله‌ای است از یوستیس کوربت که در ۱۸۹۱ م با عنوان «زندگی و کارهای احمد بن طولون» در مجله انجمن سلطنتی آسیایی به چاپ رسیده است.<sup>۴</sup> تازه‌ترین پژوهش در این باره نیز مقاله‌ای است از لوک تردول با عنوان «شواهد سکه‌شناختی

۳. برای معرفی و بررسی این مطالعات تا دو دهه پیش نک. پنجه، ۱۳۸۳: ۵-۸.

4. Corbet, Eustace (1891). "The Life and Works of Ahmad ibn Tulun". *JRAS*, 527-562.

از دوران حکمرانی احمد بن طولون (۲۵۴-۲۷۰/۸۶۸-۸۸۳).<sup>۵</sup> تقریباً همه این مطالعات، تا جایی که نگارنده دیده و بررسی کرده، بر دوره شکل‌گیری و اقتدار این دولت، یعنی دوران حکمرانی احمد بن طولون و پسرش خمارویه، متمرکز شده و به دوره پایانی حکومت طولونی پرداخته‌اند. از این‌روی است که در این مقاله با تمرکز بر دوره ده‌ساله حکومت جانشینان خمارویه، چرایی و چگونگی فروپاشی و سقوط دولت طولونی بررسی شده‌است.

### عباسیان و دولت‌های خودمختار محلی: ملاحظه‌ای کلی

روند جدایی سرزمین‌ها و ایالت‌ها از قلمرو خلافت عباسی از همان سال‌های نخستین قدرت‌یابی عباسیان آغاز گردید. اندلس (در ۱۳۸ هـ توسط عبدالرحمن بن معاویه بن هشام، بازمانده‌ای از امویان) و مغرب اقصی (در ۱۷۲ هـ توسط ادیس بن عبدالله، جان‌به‌در برده‌ای از علویان حسنی)، دورترین سرزمین‌ها از مرکز خلافت، بغداد، نخستین ایالت‌های بودند که در همان سده دوم، عصر اقتدار و روزگار طلایی عباسیان، از قلمرو خلافت جدا شدند. این جداسری‌ها در سده سوم به سرزمین‌های نزدیک‌تر رسید و در ایالت‌های شرقی ایرانی، دولت‌های خودمختار طاهری، صفاری، علوی برپا گردید. در میانه سده سوم هجری سرداری، احمد بن طولون، از امیران ترک‌تبار مسلط بر سامرا که از سوی خلیفه عباسی به امارت مصر برگزیده شده بود، راه خودمختاری و جداسری در پیش گرفت و نخستین دولت محلی مصر (بعدا در شام)، دولت طولونیان، را پایه‌گذاری کرد.

این جدایی طلبی‌ها معمولاً با مخالفت خلفای عباسی و دیگر بازیگران قدرت در بغداد یا سامرا روبه‌رو می‌شد. خلفای عباسی هیچ کوشش و تکاپویی را برای بازگرداندن این سرزمین‌ها به قلمرو خلافت فرونمی‌گذارند. در بیشتر موارد، همچون اندلس، مغرب و ایالت‌های شرقی ایران، این کوشش‌ها ناکام می‌ماند و این سرزمین‌ها برای همیشه از قلمرو

---

5. Treadwell, Luke (2017). "The Numismatic Evidence for the Reign of Aḥmad b. Ṭūlūn (254 –270/868-883)". *Al-ʿUṣūr al-Wuṣṭā* 25: 14-40.

خلافت جدا می‌شدند. مورد مصر و شام استثنایی بر قاعده بود، چرا که کوشش عباسیان در برانداختن دولت طولونی به نتیجه رسید و مصر و شام بار دیگر در سال ۲۹۲ هجری به دامان خلافت بازگشت. گویانکه این دوره بازگشت که در تاریخ مصر اسلامی اصطلاحاً دوره فترت والیان عباسی نامیده می‌شود، دولت مستعجل بود و سی سال بعد، در ۳۲۳ هـ، عباسیان ناگزیر آنجا را به اخشید، محمد بن طغج، واگذارند و این سرزمین نیز برای همیشه از سیطره مستقیم خلافت عباسی بغداد خارج شد.

عباسیان چگونه توانستند مصر و شام را از چنگ طولونیان درآوردند؟ به‌رغم همه مشکلات داخلی طولونیان، روشن است که اگر خلیفه عباسی مکتفی و دیگر بازیگران قدرت در بغداد به دنبال بازپس‌گیری مصر و شام نمی‌رفتند و بر عهد و پیمانی که خلفای پیشین با دو امیر نخست طولونی، احمد و پسرش خماریه، بسته بودند، پایبند می‌ماندند، دولت طولونیان در این دو سرزمین تداوم پیدا می‌کرد.

### رابطه طولونیان با عباسیان در دوران ابن طولون و خماریه

در بررسی و تحلیل روابط ابن طولون با خلیفه و دستگاه خلافت عواملی چند را باید در مدنظر داشت: نخست آنکه خلافت عباسی در این زمان، میانه سده سوم هجری، با فقدان مشروعیت روزافزون که از نتایج سلطه مرگبار ترکان و منازعه شدید آن‌ها با خلیفه نشئت می‌گرفت، روبه‌رو بود؛ دودیدگر برآمدن ابواحمد موفق، برادر خلیفه که با زیرکی و درایت بر خلیفه و دارالخلافه مسلط شد و سعی در تقویت قدرت مرکزی و به‌زیرکشیدن والیان گردنکش داشت؛ سوم جنبش‌های جدایی طلبانه همچون صفاریان و علویان طبرستان و شورش گسترده و مهم زنگیان (نک. ابن اثیر، ۱۴۰۲: ۲۰۵/۷ به بعد) که خلافت را از دو سوی تهدید می‌کردند و از جمله عوامل بحران مالی دستگاه خلافت بودند. چهارم جاه‌طلبی‌های روزافزون ابن طولون و انگیزه‌های توسعه طلبانه وی در شام و ثغور و نیز استقلال مالی مصر از دستگاه خلافت که نقش مهمی در برانگیختن دشمنی میان ابن طولون و موفق داشت.

به‌طورکلی رابطه ابن طولون با خلفای عباسی معاصر خود، دوستانه و همراه با احترام متقابل بود. رابطه ابن طولون با خلیفه معتمد که دوران نسبتاً طولانی خلافت او (۲۵۶-۲۷۹هـ)، هم‌زمان با حکومت ابن طولون در مصر (۲۵۴-۲۷۰هـ) بود، نیز حسنه بود (Hassan, 1986: 1/279). اگر چه خلیفه نه‌چندان مقتدر عباسی دوست امیر مصر بود، اما برادرش ابواحمد موفق عملاً همه‌کاره دستگاه خلافت بود، با فرمانروایان محلی در شرق و غرب خلافت سر ناسازگاری داشت و با تمام قدرت در پی برانداختن این حکومت‌های محلی چون صفاریان و طولونیان بود (یعقوبی، ۱۳۷۸: ۵۳۹/۲؛ زیود، ۱۹۸۹: ۹۴-۹۵؛ Gordon, 2000: 10/617). موفق که در ۲۶۱هـ به‌عنوان ولیعهد دوم معتمد برگزیده شده بود (بلوی، بی‌تا: ۷۷-۷۸؛ ابن‌سعید، ۱۹۵۳: ۸۶/۱، ۸۷) درصدد برآمد تا دامنه قدرت حکومت مرکزی را در شرق و غرب گسترش داده و قلمروهای ازدست‌رفته را بار دیگر به زیر سلطه عباسیان درآورد. در میان این حکومت‌ها یکی از گزینه‌های اصلی، دولت طولونی بود که نه‌تنها در اندیشه استقلال مصر بودند، بلکه سعی داشتند شام را نیز به قلمرو خویش بیفزایند. کشمکش میان ابن طولون و موفق، در قالب‌هایی چون نامه‌نگاری، جنگ روانی و لعن بر منابر، سال‌های بسیاری ادامه داشت (نک. بلوی، بی‌تا: ۷۹ به بعد؛ ابن‌سعید، ۱۹۵۳: ۸۷۱؛ ابن‌خلدون، ۱۳۶۶: ۴۲۸/۲). در مجموع دشمنی موفق با ابن طولون، برای او موفقیت چندانی در برنداشت و سرانجام با مرگ ابن طولون در ۲۷۰هـ به پایان رسید (بلوی، بی‌تا: ۳۱۲ به بعد؛ ابن‌سعید، ۱۹۵۳: ۱۲۸/۱ به بعد؛ ابن‌اثیر، ۱۴۰۲: ۴۰۹/۷).

پسر و جانشین ابن طولون، خمارویه، در نخستین سال‌های حکومت خویش ناچار به رویارویی نظامی، جنگ طواحین (۲۷۳هـ)، با عباسیان شد؛ جنگی که پیروز نهایی آن خمارویه بود (کندی، ۱۹۰۸: ۲۳۵؛ طبری، ۱۹۶۷: ۸/۱۰؛ مسعودی، ۱۹۸۹: ۵۸۰/۲). با این‌همه خط‌مشی بلندمدت او در رابطه با خلافت عباسی، دستیابی به صلح دائمی بود. سرانجام در رجب ۲۷۳هـ خمارویه و موفق به توافق رسیدند؛ توافقی که در آن حکومت «قانونی» مصر و شامات برای سی سال به خمارویه و فرزندانش واگذار شده بود (کندی،

۱۹۰۸: ۲۳۷؛ ابن تغری بردی، بی تا: ۵۱/۳). به رغم این صلح، موفق در سراسر سال‌های بعدی تا ۲۷۸ هـ که مرگ به سراغش آمد، پیوسته مشغول دسیسه‌چینی و جمع‌آوری نیرو برای فرستادن به شام بر ضد حکومت طولونیان بود (زیّود، ۱۹۸۹: ۱۳۳).

رابطه خمارویه با خلیفه بعدی، معتضد (حک ۲۷۹-۲۸۹ هـ)، جانشین معتمد که پسر موفق بود، چندان نزدیک و گرم شد که منجر به ازدواجی سیاسی میان طولونیان و عباسیان گردید. ازدواج دختر خمارویه، قطرالنندی با خلیفه معتضد که بدل به یکی از پرتجمل‌ترین ازدواج‌ها در تاریخ اسلام شد و ذکر جزئیات و تشریفات آن در منابع تاریخی مفصلاً آمده است (نک. پنجه، ۱۳۹۶: ۳۱-۳۵). این ازدواج اگرچه از لحاظ سیاسی باعث تحکیم پیوندهای خاندان طولونی با دستگاه خلافت و نیز افزایش نفوذ خمارویه گردید، لکن از لحاظ اقتصادی، چنان ضربه سختی به خزانه طولونیان وارد ساخت که به قول ابن خلکان «چنین شایع شد که معتضد این ازدواج را برای فقیر شدن طولونیان کرده است» (ابن خلکان، ۱۹۶۸: ۲۵۰/۲). تشریفات پر خرج این عروسی به همراه اموال بسیاری که خمارویه صرف تجمل-پرستی و خوشگذرانی‌های خویش کرده بود، باعث کاهش شدید اموال و سرمایه‌های خزانه دولت طولونی شد که در فروپاشی اقتصادی و مالی این دولت در زمان جانشینان وی تأثیری بسزا داشت.

#### خردسالان بر اریکه قدرت: ابوالعساکر جیش و ابوموسی هارون

پس از قتل خمارویه (۲۸۲ هـ)، سرداران سپاه طولونی فرزند چهارده‌ساله وی ابوالعساکر جیش را به جانشینی پدر برگزیدند (مسعودی، ۱۹۸۹: ۶۱۱/۲). وی کودکی «نارسیده و بی‌خرد» بود که توانایی حکومتگری نداشت (ابن اثیر، ۱۹۸۲: ۴۷۵/۷؛ ابن خلدون، ۱۳۶۶: ۴۴۰/۳). از همان ابتدا میان وی و سرداران پدرش اختلاف افتاد؛ تهی بودن خزانه دولت سبب شد تا گروهی از نیروها که چشم به انعام وی داشتند، از بیعت خودداری کنند (ابن تغری بردی، بی تا: ۸۸/۳؛ مقریزی، ۱۴۱۱: ۱۱۶/۳). سیاست‌های سوء وی باعث نارضایتی بزرگان دولت و

حاکمان شهرها شد. وی جماعتی از اوباش را به گرد خویش جمع کرده و سرگرم می‌گساری و خوشگذرانی شد (کندی، ۱۹۰۸: ۲۴۱؛ ابن سعید، ۱۹۵۳: ۱۴۳/۱-۱۴۴).

از سوی دیگر چون جیش به گروهی از سران سپاه بدبین شده و آن‌ها را تهدید به آزار و قتل کرده بود، شماری از آنان همچون محمد بن اسحاق بن کُنداج و خاقان مُفلحی و محمد بن کُمشجور و بدر بن جُفّ به همراه سیصد مرد دیگر از مصر گریخته و به بغداد نزد خلیفه عباسی معتضد رفتند (کندی، ۱۹۰۸: ۲۴۱-۲۴۲؛ ابن اثیر، ۱۹۸۲: ۴۷۸/۷). هم‌زمان احمد بن طُغان حاکم ثغور و طُغج بن جُفّ حاکم دمشق و حلب نیز از اطاعت وی خارج شدند (کندی، ۱۹۰۸: ۲۴۲؛ مقریزی، ۱۳۹۷: ۴۰۶/۴). در این احوال، گروهی دیگر از سپاهیان که اغلب از مغربی‌ها و بربرها بودند، خواستار کناره‌گیری جیش و امارت عمویش نصر بن احمد بن طولون بودند. جیش نیز بلافاصله این عمو و عموی دیگرش را که در زندان وی بودند به قتل رساند و سرهای آن‌ها را به سوی سپاهیان افکند (طبری، ۱۹۶۷: ۴۵/۱۰؛ کندی، ۱۹۰۸: ۲۴۱-۲۴۲؛ ابن اثیر، ۱۹۸۲: ۴۷۸/۷). سپاهیان به خشم آمده و او را خلع کردند و فقیهان، قاریان و قاضیان را نیز گرد آوردند تا از بیعت او بیزاری جستند و سپس خانه جیش را غارت کردند و به آتش کشیدند (کندی، ۱۹۰۸: ۲۴۱-۲۴۲؛ ابن تغری بردی، بی تا: ۹۱/۳ به بعد). او را نیز به زندان افکندند که چند روز بعد در زندان به قتل رسید. مدت امارت وی تنها شش ماه و دوازده روز بود (کندی، ۱۹۰۸: ۲۴۲؛ ابن سعید، ۱۹۵۳: ۱۴۴/۱). شورشیان، علی بن احمد ماذرایی وزیر جیش را نیز کشتند، در حالی که محمد بن اَبّی (أَبّا) اَبّان سالم به در برد (ابن تغری بردی، بی تا: ۹۲/۳).

پس از خلع جیش سرداران سپاه برادرش هارون را که در این زمان حدود ۱۳ سال سن داشت به امارت برگزیدند، اما به سبب خردسالی و ناتوانی وی در اداره امور، ابوجعفر محمد بن اَبّی را نایب وی قرار داده و زمام کار ملک را به وی سپردند (ابن تغری بردی، بی تا: ۹۸/۳-۹۹). ابن اَبّی که فردی زیرک و مکار بود توانست تا حدّی اوضاع را به سامان آورد (ابن تغری

۶. از فرماندهان سپاه طولونی، نک. بلوی، ۲۴۸، ۲۸۶، ۳۳۸.

بردی، بی تا: ۹۹/۳؛ ابن اثیر، ۱۹۸۲: ۴۸۸/۷؛ زیّود، ۱۹۸۹: ۱۳۹).

با این همه وضع قلمرو طولونی به ویژه شام رو به پریشانی نهاده بود و امرا و سرداران سپاه، هر یک بخشی از سپاه را به زیر سلطه خویش درآورده و از اطاعت هارون و نایبش سرباز می زدند (ابن سعید، ۱۹۵۳: ۱۴۴/۱؛ ابن تغری بردی، بی تا: ۱۰۱). گروهی از سپاهیان که از امارت هارون ناخشنود بودند، عمویش ربیعة بن احمد را از اسکندریه با وعده یاری به فسطاط فراخواندند. ربیعہ نیز دعوت ایشان را پذیرفت و با سپاهی به سوی پایتخت آمد، اما دعوتگران ناجوانمردانه وی را رها ساختند؛ پس یاران هارون وی را بگرفتند و تازیانه زدند تا جان داد (شعبان ۲۸۴ هـ؛ کندی، ۱۹۰۸: ۲۴۲-۲۴۳؛ مقریزی، ۱۳۹۷: ۴۰۶/۴؛ ابن تغری بردی، بی تا: ۹۹-۱۰۰). در همین سال ابن ابّی، بدر الحمامی<sup>۷</sup> و حسین بن احمد ماذرایی را به شام فرستاد تا اوضاع پریشان آنجا را به سامان آورند. این دو توانستند امور شام را به نظام آوردند و طنج بن جُفّ را در مقابل اطاعت و بیعت با هارون به امارت دمشق گماشتند (ابن اثیر، ۱۹۸۲: ۴۸۸/۷-۴۸۹؛ مقریزی، ۱۹۹۱: ۴۰۳/۲).

با واکاوی وضع داخلی دولت طولونی در این دوره مشخص می شود که در دهه پایانی، به تعبیر ابن خلدون به دو «اساس» این دولت یعنی «سپاه» و «مال» خدشه جدی وارد شد. سپاه مایه «شوکت و عصبیت» است و مال (پول) نگهدارنده سپاهیان... «هر گاه خللی به دولت راه یابد از این دو اساس است» (ابن خلدون، ۱۳۸۸: ۵۶۸/۱-۵۶۹). این در حالی بود که دشمنان خارجی طولونیان، قرمطیان و عباسیان، نیز در پی دست اندازی به قلمرو طولونیان و براندازی حکومت آنان بودند.

### عباسیان، قرمطیان و آغاز پایان طولونیان

در فاصله سال های ۲۸۴ تا ۲۸۶ هـ بخش های شمالی شام از سلطه طولونیان خارج شد (ابن - عدیم، ۱۹۵۱: ۸۶/۱). در ۲۸۴ هـ راغب مولای موفق که از چندی پیش به عزم جهاد به ثغور

۷. برای شرح حال وی نک. مقریزی، ۱۹۹۱: ۴۰۲/۲-۴۰۴؛ سجادی، ۱۳۸۱: ۵۳۳/۱۱-۵۳۵.



آمده بود، در طرسوس نام هارون بن خمارویه را از خطبه بیفکند. تلاش طرفداران هارون نیز به جایی نرسید؛ راغب آن‌ها را دستگیر و به نزد معتضد فرستاد (طبری، ۱۹۶۷: ۵۱/۱؛ ابن اثیر، ۱۹۸۲: ۲۸۴/۷). درخور توجه است که با روی کار آمدن معتضد که فردی لایق و با کفایت بود، گویی خلافت جانی تازه گرفته بود؛ اقدامات اصلاحی این خلیفه به منزله تجدید حیات دولت عباسی بود. وی پس از مرگ خمارویه، از مخالفان طولونیان حمایت می‌کرد و با عدم پذیرش سلطه طولونیان بر بخش‌های شمالی شام، آشکارا به نقض عهدنامه‌ای که خود با خمارویه بسته بود پرداخت (نک. زیّود، ۱۹۸۹: ۱۴۴ به بعد). در ۲۸۶ هـ عهدنامه‌ای جدید میان معتضد و هارون بسته شد که مفاد آن به ضرر دولت طولونی بود؛ افزون بر جدایی حلب، قنسرین و عواصم از قلمرو طولونیان، هارون می‌بایست سالی ۴۵۰۰۰ دینار به بیت المال بغداد بفرستد (طبری، ۱۹۶۷: ۷۰/۱۰، ۷۱؛ ابن عدیم، ۱۹۵۱: ۸۶/۱). همانگونه که از مفاد عهدنامه برمی‌آید، معتضد در پی آن بود که طولونیان را هم از لحاظ سیاسی و هم اقتصادی در محاصره قرار دهد و زمینه را برای اضمحلال دولت آن‌ها آماده سازد، اما پیش از آنکه مصر بار دیگر به قلمرو خلافت عباسی بپیوندد، وی در ربیع الثانی ۲۸۹ هـ درگذشت و فرزندش علی با لقب مکتفی (حک ۲۸۹-۲۹۵ هـ) به خلافت رسید.

وضع نابسامان شام با ظهور نیرویی جدید یعنی قرامطه<sup>۸</sup> به مرز بحران رسید. رهبری این فرقه شورشی بر عهده زکَرَوَیْه بن مَهْرَوَیْه<sup>۹</sup> بود. با تبلیغات وی و پسرانش، یحیی و حسین، شماری از قبایل عرب بدوی به جنبش قرامطی پیوستند. قرامطیان در طی سال‌های ۲۸۹ تا ۲۹۴ هـ شورش‌های متعددی در شام به راه انداختند و شهرها و روستاهای بسیاری را به باد غارت دادند و مردم بی‌شماری را به قتل رساندند. طُغج بن جُفّ حاکم طولونی دمشق که از دفع آن‌ها عاجز ماند، از هارون درخواست یاری کرد. هارون نیز بَدْرُ الحَمَامی را در رأس سپاهی به سوی وی گسیل داشت. در نبردی سخت که در نزدیکی دمشق میان طرفین درگرفت،

۸. برای ملاحظه بحثی مفصل درباره خاستگاه، باورها و شورش‌های قرامطیان، نک. دفتری، ۱۳۷۵: ۱۲۴ به بعد.

۹. برای شرح حال وی نک. خدایی، ۱۳۹۵: ۴۸۲-۴۸۵.

نیروهای متحد شامی و مصری، قرامطه را شکست دادند و رهبر آنها یحیی معروف به صاحب‌الناقه نیز به قتل رسید (طبری، ۱۹۶۷: ۹۴/۱۰-۱۰۰؛ ابن اثیر، ۱۹۸۲: ۵۲۶/۷؛ ابن-تغری بردی، بی تا: ۱۰۴/۳-۱۰۵). پس از قتل یحیی، برادرش حسین، صاحب‌الشامه به رهبری قرامطه رسید. وی انتقام شکست پیشین را از سپاه طولونی گرفت و تعدادی از شهرهای شام را به اطاعت خویش واداشت (نک. طبری، ۱۹۶۷: ۱۰۰/۱۰؛ ابن عدیم، ۸۸/۱).

در پی قتل و غارت‌های قرامطیان، جوی از رعب و وحشت منطقه را فراگرفت. شماری از اهالی مصر و شام به خلیفه نامه نوشته و از او یاری خواستند (طبری، ۱۹۶۷: ۱۰۳/۱۰؛ ابن‌خلدون، ۱۳۶۶: ۴۴۲/۳). اینک زمان برای احیای نفوذ خلافت بر شام و مصر فرارسیده بود. در ۲۹۱ هـ خلیفه سپاهی به فرماندهی محمدبن سلیمان<sup>۱</sup> روانه شام ساخت (طبری، ۱۹۶۷: ۱۰۳/۱۰؛ ابن‌تغری بردی، بی تا: ۱۰۵/۳ به بعد). سپاه عباسی قرامطیان را سرکوب و رهبرشان را دستگیر کرد که چندی بعد در بغداد به فجیع‌ترین وضع به قتل رسید (طبری، ۱۹۶۷: ۱۱۴/۱۰). با این پیروزی، مناطق بسیاری از قلمرو طولونیان خارج و به زیر سلطه خلافت درآمد. محمدبن سلیمان پس از سرکوب قرامطه به همراه دیگر سرداران سپاه عباسی، پیروزمندانه به بغداد بازگشتند و از خلیفه خلعت و عطا دریافت نمودند (ابن تغری بردی، بی تا: ۱۰۹/۳).

### تفرقه و خیانت: شیبان بن احمد و سقوط دولت طولونی

در محرم ۲۹۲ هـ خلیفه که زمان را برای نابودی کامل بنی طولون مستعد می‌دید، محمد بن سلیمان را که طبق گزارش منابع از گذشته از احمد بن طولون کینه‌ای به دل داشت (ابن‌تغری بردی، بی تا: ۱۱۱/۳-۱۱۲) و همواره خلیفه را به برانداختن طولونیان ترغیب می‌کرد (ابن-خلدون، ۱۳۶۶: ۴۴۲/۳)، مأمور باز آوردن مصر به قلمرو خلافت کرد (کندی، ۱۹۰۸: ۲۴۴؛ طبری، ۱۹۶۷: ۱۱۸/۱۰). محمد با سپاه خویش به سوی مصر روان شد. پیش از رسیدن

۱۰. برای شرح حال وی نک. مقریزی، ۱۹۹۱: ۷۰۰/۵-۷۰۶.

به دمشق بَدْرالْحَمَامی و فائق از سرداران هارون که از پیش به محمد نامه نوشته و او را به تصرف مصر تحریک کرده بودند، به وی پیوستند (کندی، ۱۹۰۸: ۲۴۴؛ ابن‌اثیر، ۱۹۸۲: ۵۳۵/۷). پیوستن این دو و به‌ویژه بَدْرالْحَمَامی که در این زمان سالار فرماندهان بود در تضعیف روحیه نیروهای طولونی تأثیر بسیار داشت (ابن‌اثیر، ۱۹۸۲: ۵۳۵/۷؛ ابن‌خلدون، ۱۳۶۶: ۴۴۳/۳). هم‌زمان مکتفی دمیانه غلام یازمان را که در یاسالار بود با کشتی‌های جنگی، از سواحل شام روانه نیل ساخت (کندی، ۱۹۰۸: ۲۴۵؛ طبری، ۱۹۶۷: ۱۱۸/۱۰). بدین ترتیب سپاهیان خلیفه مصر را از سمت دریا و خشکی به محاصره درآوردند.

محمد بن سلیمان به فلسطین آمد و در آنجا اردو زد. نیروهای دریایی که به نیل رسیده بودند، دو بار سپاه هارون را در تَبَّیس و دِمِیاط شکست دادند و این دو شهر را به تصرف درآوردند (ابن‌تغری بردی، بی تا: ۱۱۰/۳؛ کندی، ۱۹۰۸: ۲۴۵). عرصه بر هارون تنگ شده و میان سپاهیان اختلاف افتاد. روایات در چگونگی به‌قتل‌رسیدن هارون مختلف است. دسته‌ای از منابع اشاره دارند که هارون هنگامی که برای آرام ساختن سپاهیان به میان آن‌ها رفته بود، به‌وسیله زوبین یکی از سپاهیان مغربی‌اش به قتل رسید (طبری، ۱۹۶۷: ۱۱۸/۱۰؛ ابن‌اثیر، ۱۹۸۲: ۵۲۶/۷؛ ابن‌خلدون، ۱۳۶۶: ۴۴۳/۳). درحالی‌که گزارش منابع دیگر حاکی از آن است که هارون چون سپاهیان در نبردهای دریایی شکست خوردند، به همراه خانواده و عموهای خویش از فسطاط به عَبَّاسَه<sup>۱۱</sup> بیامد و به می‌گساری و خوشگذرانی مشغول شد و شبانه و در حال مستی به دست عموهایش شیبان و عدی در ۱۹ صفر ۲۹۲ هـ به قتل رسید (کندی، ۱۹۰۸: ۲۴۶؛ ابن‌تغری بردی، بی تا: ۱۱۰/۳). وی در این زمان ۲۲ سال عمر داشت و از حکومتش هشت سال و هشت ماه گذشته بود (مقریزی، ۱۳۹۷: ۴۰۷/۴؛ ابن‌تغری بردی، ۱۱۰/۳، ۱۱۱؛ قس. کندی، ۱۹۰۸: ۲۴۶).

از پس هارون، عموی قاتلش ابوالْمَنَاقِب شیبان بن احمد، زمام امور را به دست گرفت

۱۱. شهرکی در ابتدای ورود به مصر از طرف شام که به نام عباسه دختر احمد بن طولون نامیده شده‌است (یاقوت حموی، ۱۹۹۰: ۸۴/۴، ۸۵).

(کندی، ۱۹۰۸: ۲۴۶؛ مقریزی، ۱۳۹۷: ۴/۴۰۷). وی کوشید با بخشش مال سپاهیان را به اطاعت خویش وادارد، اما سرداران سپاه که از قتل هارون ناراضی بودند از سپاه طولونی بریده و به محمد بن سلیمان نامه نوشتند و او را به مصر فراخواندند. محمد به عباسه پیامد و چند تن از امرای نامدار طولونی همچون طُغج بن جُفّ با نیروهای خویش به وی پیوستند (کندی، ۱۹۰۸: ۲۴۶، ۲۴۷؛ ابن اثیر، ۱۹۸۲: ۵۳۵/۷؛ مقریزی، ۱۳۹۷: ۴۰۷؛ نیز نک. ابن خلدون، ۱۳۶۶: ۳/۴۴۳). شیبان نیز به ناچار از محمد امان خواست و تسلیم وی شد. ولایت داری وی تنها دوازده روز طول کشید (کندی، ۱۹۰۸: ۲۴۷؛ مقریزی، ۱۳۹۷: ۴/۴۰۷).

محمد بن سلیمان پیروزمندانه وارد فسطاط شد. سپاهیان خلیفه شهر حکومتی طولونیان، قُطائع، را به آتش کشیدند و فسطاط را تاراج کردند. محمد بازماندگان طولونی را که حدود بیست تن بودند به بند کرد و به بغداد فرستاد. اموال آنان نیز مصادره شد (کندی، ۱۹۰۸: ۲۴۷-۲۴۸؛ مقریزی، ۱۳۹۷: ۴۰۷-۴۰۸). بدین ترتیب بعد از ۳۸ سال، مصر بار دیگر به زیر سلطه خلافت درآمد و فرمانروایی جدید از جانب خلافت بر آنجا گماشته شد.<sup>۱۲</sup>

#### نتیجه

اگرچه دولت طولونیان، پس از ۳۸ سال حکومت در ۲۹۲ هـ با لشکرکشی عباسیان به شام و مصر سقوط کرد، اما فروپاشی دولت طولونی از یک دهه پیش آغاز شده بود. در تحلیل و تعلیل این فروپاشی و سقوط هم باید عوامل سیاسی و نظامی دیده شود، و هم عوامل اقتصادی و اجتماعی بررسی گردد. بنا بر یافته‌های این مقاله علل و عوامل فروپاشی و سقوط طولونیان را می‌توان به ترتیب اولویت در موارد زیر خلاصه کرد: ۱. اختلافات و نزاع‌های درونی خاندان

۱۲. فرمانروای جدید، عیسی النُوشَری بود (کندی، ۱۹۰۸: ۲۵۸). در زمان وی یکی از فرماندهان طولونی به نام محمدبن علی بن خلیج برای احیای دولت طولونی دست به شورش زد، اما پس از چندی سرکوب شد (نک. مقریزی، ۱۳۹۷: ۳۱/۴-۳۲).

طولونی که پس از مرگ خمارویه، میان برادران و فرزندان وی نمود پیدا کرد؛ ۲. انحطاط اقتصادی دولت در پی ولخرجی‌های بیش از حد خمارویه که تهی شدن خزانه و نارضائی سپاهیان و جیره‌خواران دولتی را در پی داشت؛ ۳. روی کار آمدن امیران کم‌سن و سال و بی-تجربه که به جای پرداختن به امور مهم دولت، مشغول می‌گساری و خوشگذرانی بودند و به بازیچه‌ای در دست سرداران سپاه تبدیل شده بودند؛ ۴. ظهور شورشیان قرمطی در شام و ناتوانی هارون بن خمارویه در سرکوبی و مهار این شورشیان که پای سپاهیان خلیفه را به این سرزمین باز کرد و وسیله‌ای شد برای انقراض کامل طولونیان؛ ۵. خیانت امیران و سرداران بزرگ طولونی همچون بُدْرُالْحَمَامی، طُغج بن جُف و فائق که در حساس‌ترین لحظه‌ها به طولونیان پشت کردند و به سپاه عباسی پیوستند.

### کتاب‌نامه

- ابن تغری بردی، جمال‌الدین ابوالمحاسن (بی‌تا). النجوم الزاهرة فی ملوک مصر و القاهرة. قاهرة: وزارة الثقافة و الارشاد القومي.
- ابن اثیر، عزالدین (۱۹۸۲). الکامل فی التاریخ. بیروت: دار صادر.
- ابن خلدون، عبدالرحمن بن محمد (۱۳۶۶). العبر یا تاریخ ابن خلدون. ترجمه عبدالمحمد آیتی، تهران: مؤسسه مطالعات و تحقیقات فرهنگی.
- همو (۱۳۸۸). مقدمه ابن خلدون. ترجمه محمد پروین گنابادی، تهران: علمی و فرهنگی.
- ابن خلکان، شمس‌الدین احمد (۱۹۶۸). وفيات الاعیان و انباء ابناء الزمان. به کوشش احسان عباس، بیروت: دارالثقافة.
- ابن سعید، علی بن موسی (۱۹۵۳). المغرب فی حلی المغرب. قسم خاص مصر، به کوشش زکی محمد حسن و دیگران، قاهره: مطبعة جامعة فؤاد الاول.
- ابن عدیم، ابوالقاسم کمال‌الدین عمر (۱۹۵۱). زبدة الحلب من تاریخ حلب. به کوشش سامی الدهان، دمشق: المعهد الفرنسي بدمشق للدراسات العربية.
- بلوی، ابومحمد عبدالله بن محمد (بی‌تا). سیرة احمد بن طولون. به کوشش محمد کردعلی، قاهره: مکتبة الثقافة الدينية.

- پنجه، معصومعلی (۱۳۸۳). فرهنگ و تمدن اسلامی در قلمرو طولونیان. پایان‌نامه کارشناسی ارشد. دانشکده الهیات و معارف اسلامی. دانشگاه تهران.
- همو (۱۳۹۶). جنگ، صلح و ازدواج: روابط خمارویه طولونی (حک ۲۷۰-۲۸۲) با خلافت عباسی. تاریخ و تمدن اسلامی، ۱۳(۲۶): ۳۶-۲۵.
- خدایی، سید علی اکبر (۱۳۹۵). «زکرویه بن مهرویه». دانشنامه جهان اسلام، ج ۲۱، زیر نظر غلامعلی حدادعادل، تهران: بنیاد دایرةالمعارف اسلامی.
- دفتری، فرهاد (۱۳۷۵). تاریخ و عقاید اسماعیلیه. ترجمه فریدون بدره‌ای، تهران: فرزانه روز.
- زیود، محمد احمد (۱۹۸۹). العلاقات بين الشام و مصر فى العهدین الطولونى و الاخشیدی. دمشق: دارحسان.
- سجادی، صادق (۱۳۸۱). «بدرالحامی». دایرةالمعارف بزرگ اسلامی، ج ۱۱، زیر نظم کاظم موسوی بجنوردی، تهران: مرکز دایرةالمعارف بزرگ اسلامی.
- طبری، ابوجعفر محمد بن جریر (۱۹۶۷). تاریخ الامم و الملوک. به کوشش محمد ابوالفضل ابراهیم، بیروت: دار التراث.
- کندی، ابوعمر محمد بن یوسف (۱۹۰۸). کتاب الولاة و کتاب القضاة. به کوشش رنف گست، بیروت: مطبعة الآباء الیسوعیین.
- مسعودی، علی بن حسین (۱۹۸۹). مروج الذهب و معادن الجواهر. به کوشش شارل پلا، بیروت: الشركة العالمية للکتاب.
- مقریزی، تقی‌الدین احمد بن علی (۱۹۹۱). کتاب المقفی الکبیر. به کوشش محمد الیعلوی، بیروت: دارالغرب اسلامی.
- همو (۱۳۹۷). پندها و عبرت‌ها از بناها و آثار تاریخی مصر (خطط مقریزی). ترجمه پرویز اتابکی، مشهد: بنیاد پژوهش‌های اسلامی.
- یاقوت حموی، ابوعبدالله (۱۹۹۰). معجم البلدان. به کوشش فرید عبدالعزیز الجندی، بیروت: دارالکتب العلمیة.
- یعقوبی، احمد بن ابی یعقوب ابن واضح (۱۳۷۸). تاریخ یعقوبی. ترجمه محمد ابراهیم آیتی، تهران: علمی و فرهنگی.

Gordon, M. S. (2000). "Tulunids". *EF<sup>2</sup>*, v. 10, Leiden: E. J. Brill.  
Hassan, Z. M. (1986). "Ahmad b. Tulun". *EF<sup>2</sup>*, v. 1, Leiden: E. J. Brill.